

آتش در مخزن های نفتی شهرک صنعتی خلیج فارس

آتش سوزی در مخزن های نفتی شهرک صنعتی خلیج فارس بندرعباس منجر به مصدومیت هشت نفر شد.

رویا جهانگیری، سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی استان هرمزگان به ایرنا گفت: پس از گزارش آتش سوزی در مجتمع صنعتی خلیج فارس در غرب بندرعباس، تیم واکنش سریع وامدادی اورژانس استان به محل آتش سوزی اعزام شد.

آتش سوزی در سه مخزن بزرگ فرآورده های نفتی در شرکت نفت آفتاب در شهرک صنعتی خلیج فارس بندرعباس رخ داده بودوبررسی های اولیه نشان می دادکه هشت نفر دراین حادثه مصدوم شده اند، آنها از عوامل آتش نشانی و اطفای حریق بودند که به صورت سطحی دچار مصدومیت شده و توسط عوامل اورژانس درمان شدند.این افراد پس از درمان به صحنه عملیاتی برای اطفای حریق بازگشتند.

گزارش «جام جم» از پشت پرده خرید و فروش اموال دزدی در تهران

بازار داغ مالخرها

به بزرگترین معضل چرخه سرقت در کشور

تبدیل شده اند. کارشان به جایی رسیده که سارق استخدام می‌کنند و به آنها سفارش سرقت کالایی خاص می‌دهند. هیچکس از گردش حساب‌شان اطلاع دقیقی ندارد، اما به گفته یکی از آنها هر کامپیوتر خودروی پژو برای شان تا ۱/۵ میلیون تومان سود خالص دارد. درست حدس زده‌اید، از مالخران صحبت می‌کنیم. گروهی که این روزها سود رنج سارق و غم مالباخته را می‌برند. در سال‌های گذشته حاشیه امنی داشتند و اگر سارقی دستگیر می‌شد پای آنها وسط کشیده می‌شد اما مدتی است با طرح مبارزه با سرقت نیروی انتظامی حاشیه امن‌شان در خطر افتاده اما همچنان بازارشان گرم است.

یهمن‌ماه سال گذشته فرماندهی جدیدنیروی انتظامی طرح مبارزه با سارقان را در دستور کار پلیس کشور قرار داد. در طرح جدید مبارزه با سرقت، تمرکزروی مالخران قرار گرفت و سعی شد با قطع زنجیره تقاضا برای اموال دزدی، عرضه را کم کرد و دزدی را به جرمی بدون سود تبدیل کرد.سرهنگ قاسمی، کارشناس انتظامی معتقد است: مالخرها در چرخه سرقت نقش موثری دارند. در این سرقت‌ها، سارق کالایی را می‌دزد، به مالخر می‌فروشد و مالخرآن راوارد بازارمی‌کند.اگر مالخر وجود نداشته باشد، سارق برای اجناس مسروقه، بازار فروش پیدا نمی‌کند و در نتیجه آمار سرقت پایین می‌آید. به همین منظور پلیس آگاهی توجه ویژه‌ای به برخورد با مالخرها دارد تا چرخه سرقت را از بین ببرد.



رئیس پلیس آگاهی تهران نیز پس از اجرای یکی از طرح‌های مبارزه با سرقت به جام‌جم گفت: « پیش از این با دستگیری سارقان به خریداران اموال سرقتی می‌رسیدیم اما حالا با دستگیری مالخران سارقان را شناسایی و دستگیر می‌کنیم. با اجرای این طرح اموال سرقتی کشف و سریع تحویل مالباخته می‌شود و این روند می‌تواند در کاهش وقوع مؤثر باشد.» با وجود اجرای این طرح‌ها، هنوز تعداد زیادی از خریداران اموال مسروقه باتوجه به افزایش تورم وسود بالای خرید کالاهای سرقتی جذب چرخه سرقت شده و اقدام به خرید و فروش اموال مسروقه می‌کنند.

با توجه به این‌که تقاضا برای خرید اموال مسروقه از سوی مالخران وجود دارد چرخه سرقت متوقف نشده و دزدان همچنان در خیابان‌ها جولان می‌دهند. به نظر می‌رسد پلیس برای کاهش و متوقف کردن چرخه سرقت به خوبی روی مالخران تمرکز کرده اما برای رسیدن به هدف، کار بیشتر و برخورد قاطع‌تر با مالخران نیاز است. همچنین در کنار طرح‌های پلیسی، دستگاه قضایی هم باید مجازات سنگینی برای مالخران در نظر بگیرد تا ریسک ارتکاب این جرایم بالا برود.»

سفارش می‌دهیم جنس تحویل می‌گیریم

یکی از مالخران گوشی تلفن همراه که از او ۲۰۰ گوشی مدل روز کشف شده است، در حاشیه طرح دستگیری مالخران مدعی شد دیگر مثل گذشته هرچه درد بیاورد را نمی‌خرند و فقط اموال بارزش را از دزدان می‌خرند.

این متهم سابقه دار به جام‌جم گفت:« فقط اموال بارزش با حاشیه سود بالا می‌آزد که به خاطرش ریسک کنیم، جارو برقی یا تلویزیون دیگر ارزشی برای برایشان غریبه هستیم اما کسی کاری به کارمان ندارد. از مقابل بل عابر پیاده میدان تا کوچه پس کوچه های اطراف آن حضور دارند. هرکجا را نگاه کنی ساطی روی زمین است و هر کدام چیزی برای فروش گذاشته اند.

بساط لوازم منزل مرد میانسال‌ی در بین همه خودنمایی می‌کند. به دوستش می‌گوید از پارکینگ یک خانه در محله مدنی آورده است. جارو برقی، همن و مخلوطک جلویش گذاشته است. وقتی قیمت اجناس را می‌پرسم می‌گوید برو مشتری نیستی، سماجت که به خرج می‌دهم قیمت جاروبرقی بوش را یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌گوید. وقتی اعتراض می‌کنم که گران است می‌گوید قیمت نوا این کالا ۴ میلیون است و به قیمت می‌فروشد. از کنار بساطش که رد می‌شوم زیر لب شروع به غرزدن می‌کند. در پس کوچه اطراف که مرد جوان معنادی را می‌بینم که تازه مواد کشیده و به قول خودش شگول است. او در

محکمه

قتل پسر ۱۱ ساله بعد از آزار شیطانی

متهم در دادگاه مدعی شد، تحت تاثیر بیماری‌اش مرتکب این جرایم شده است. مردی که متهم است پسر ۱۱ساله را در بیابان‌های اطراف کرج آزار داده و به قتل رسانده، در جلسه دادگاه مدعی شد تحت تاثیر بیماری روانی مرتکب این جنایت شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو سال قبل زن و مردی وحشت زده و هراسان با مراجعه به ماموران پلیس کرج از ناپدید شدن مرموز پسر ۱۱ساله‌شان به نام یارید خبر دادند. زن جوان به ماموران گفت: یارید در حال بازی مقابل خانه‌مان در محله چهارپایه بود که ناگهان ناپدید شد. همه جادنیال اوگشتیم اما خبری از پسرم نیست. دوستانش می‌گویند، مرد جوانی او را به پناه خرید بستنی باخود برده است.

پس از این شکایت، تحقیقات پلیسی برای یافتن پسرپچه آغاز شد اما هیچ ردی از او به دست نیامد. یک ماه از ماجرای ناپدیدشدن یارید گذشته بود که مردی در تماس با پلیس

سرنخ کشف این پرونده را به ماموران داد. این مرد بیان کرد: من صاحب یک سوپرمارکت در چهارباغ هستم. حمیدیکی از دوستانم است که گاهی به مغازه‌ام می‌آید. او امروز وقتی به مغازه آمد، حرف‌های عجیبی زد و ادعا کرد پسر بچه‌ای را به بهانه خرید بستنی روده و آزار داده است. بعد هم او را راکشته و در بیابان دفن کرده است. حمید ۲۵ ساله شناسایی و دستگیر شد و در تحقیقات به آزار و قتل یارید اعتراف کرد. با راهنمایی حمید، ماموران توانستند جسد او را در بیابان‌های حاشیه کرج کشف کنند. به دلیل گذشت زمان علت دقیق قتل مشخص نشد و پزشکان احتمال دادند او بر اثر خفگی جان باخته باشد. برای حمید به اتهام قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه محاکمه اولیای دم یارید برای قاتل پسرشان درخواست قصاص کردند و گفتند: حاضر به گذشت از خون پسرشان نیستند و فقط قصاص می‌خواهند. در ادامه

حمید در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: آن روز یارید را برای اولین بار مقابل خانه‌شان دیدم که در حال بازی بود. او را به بهانه خرید بستنی با خودم همراه کردم. پسر بچه را به بیابان‌های اطراف چهارباغ بردم و در آنجا آزار دادم. گفت موضوع را به مادرش می‌گوئید و ترسیدم. به همین دلیل او را خفه کردم. جنازه‌اش را در بیابان رها کرد و به خانه بازگشتم. چند وقت بعد ماجرا را برای دوستم تعریف کردم و همان روز ماموران مرا در خانه پدری ام دستگیر کردند. اتهاماتم را قبول دارم اما باور کنبد ناخواسته آنها را مرتکب شدم، سال‌هاست از بیماری اعصاب روان رنج می‌برم. بیول داشتم داروهایم را بگیرم و به همین دلیل کنترل‌ری رفتارم نداشتم. قضات پس از دفاعیات متهم او را به کمیسیون پزشکی قانونی معرفی کردند تا سلامت روانی‌اش در زمان قتل بررسی شود. پس از اظهار نظر پزشکان در این باره، حکم پرونده صادر می‌شود.

این گزارش حاکی است، هنوز از میزان خسارت جانی و مالی اطلاعاتی در دست نیست.
براساس ارزیابی هوایی اورژانس بندرعباس از پنج مخزن همجوار، دو مخزن منفجر شده و آتش سوزی گسترده‌ای رخ داده است. همه مراکز درمانی و بیمارستانی در حال آماده‌باش به سر می‌برند. تیم‌هایی از آتش نشانان هم در عملیات مهار آتش شرکت کردند.



ورود مالخران افغان

در این میان حضور مالخران تبعه افغانستان هم در این بازار پر رنگ شده و آنها اغلب خریداران گوشی‌های آیفون سرقتی هستند. آنها گوشی‌های سرقتی را در بسته‌های ص تاایی به افغانستان ارسال می‌کنند. یکی از این مالخران می‌گوید:« در افغانستان گوشی‌ها قابل ردیابی نیست و بازار خرید گوشی‌های سرقتی آیفون گرم است و حتی این گوشی‌ها در سوپرمارکت هم فروخته می‌شود. هر گوشی را بین سه تا ۱۰ میلیون می‌خریم. همین باعث شده دزدان هم سراغ سرقت‌گوشی‌های آیفون بروند.»

در کنار خیابان به دنبال مالخر

گروهی از دزدان هم برای تامین هزینه خرید موادمخردشان دزدی خرد می‌کنند که در این بازار جایی ندارند. مالخران خرید لوازم از آنها را فقط در سر می‌دانند. این سارقان هر شب اموالی که سرقت کرده‌اند را کنار خیابان بساط می‌کنند و در بازار آنها از شیر مرغ تا جان آدمیزاد پیدا می‌شود. کفش، آیفون تصویری، غروسک، پادری، آچار و در نهایت دو چرخه اموالی است که اغلب در بساط آنها پیدا می‌شود. البته چند روزی هست با افزایش قیمت قابلیات خودروها،

تلنگر

ساعت ۹ شب؛ خیابان مولوی

چهارراه و خیابان مولوی کمی شلوغ تر از میدان امام حسین(ع) است اما بیشتر معتمدان کارتن خواب هستند و لا به لای آنها چند بساط فروش اموال سرقتی وجود دارد. آنچه در خیابان مولوی بیشتر به چشم می‌آید فروش کنونی و لباس و غروسک است. مقابل بساط اموالمان را به جایش بر می‌دارد. اموال خوب که سرقت می‌شود بکراست برای مالخرها می‌رود. برخی مالخرها اینجا نماینده دارند و اگر چیز خوبی در دست ما باشد از ما می‌خرند. اینجا کنونی و لباس خوب فروش می‌رود و بیشتر اینها را معتمدان از راه لب ساختمان‌ها یا حیاط خانه‌ها می‌دزدند و می‌آورند. خریداران هم بیشتر کارگران افغان هستند. کم‌کم چند نفر که به طولانی شدن حرف‌هایم با مرد معناد مشکوک می‌شوند دور ما جمع می‌شوند که مجبوره ترک آن محل می‌شوم.

ناگهان از سمت چهارراه مولوی چند نفر که وسایلی را زیر بغل‌ زدن‌د با داد و فریاد به سمت بقیه می‌آیند. پشت سرشان هم آنهایی که بساط کرده اند، می‌دوند. به سمت چهارراه که می‌روم ، متوجه گشت پلیس می‌شوم. ماموران در میان معتمدان می‌چرخند تا دزد یا مالخری را شناسایی و دستگیر کنند.

عدلیه

رهایی ساواکی قاتل از قصاص

ساواکی بازنشسته که پسرخوانده و همسر او را به قتل رسانده و سرهای بریده‌شان را به آتش کشیده بود، پس از شش سال با پرداخت دیه رضایت اولیای دم را جلب کرد و آزاد شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، مرداد ۹۶ به دنبال پیداشدن دو سر بریده زن و مرد که سوخته بودند در یکی از زمین‌های خاکی محله شیخ‌بهبایی تهران تحقیقات پلیس تهران آغاز شد. در بازبینی دوربین‌های آنجا تصویر راننده یک لندکروز به دست آمد. او تحت تعقیب قرار گرفت که معلوم شد مالک خودرو، مردی ۷۷ ساله است که بازداشت شد. این مرد در تحقیقات به این جنایت اعتراف کرد و گفت: سرهنگ بازنشسته ساواک هستم. من و همسرم صاحب فرزند نمی‌شدیم. بعد از آن که خواهرزنم از شوهرش جداشد، ما پسرش را به سرپرستی گرفتیم. مادرش چند سال بعد فوت شد. زحمت زیادی شش سال از این ماجرا، اولیای دم جدید برای او کشیدم تا این که ۱۳ سال قبل با شیما آشنا شد و ازدواج کردند. عروس جوان معناد بود و شوهرش را هم گرفتار اعتیاد کرد. آنها اذیت‌مان می‌کردند. وسایل خانه‌رامی فروختند



جام جم

حوادث INCIDENT

۱۹

سه شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۲ ۱۴۰۲ شماره ۶۵۳۲

کوتاه‌احوادث

پلیس در تعقیب آدم‌ربایان

مردی که اختلاف مالی میلیاری با شربکش داشت به عنوان مظنون در ماجرای ربودن و اخاذی ۶۰۰ میلیون تومانی از وی بازداشت شد.
به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل تیر امسال مردی جوان با حضور در شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران شکایت کرد از سوی افرادی ربوده‌شده و مورد اخاذی ۶۰۰ میلیون تومانی قرار گرفته است. پرونده برای تحقیقات در دستور کار ماموران اداره آگاهی تهران قرار گرفت و شاک‌ی در این باره گفت: در شمال کشور ویلاسازی می‌کنم. از مدتی قبل با افرادی آشنا شده و یا آنها شریک شدم. اما دچار اختلاف‌های مالی شدیم، با یکی از آنها بیشتر مشکل پیدا کردم و با او دیگر بودم. روز حادثه برای انجام کاری از خانه‌ام در یکی از محله‌های تهران بیرون آمدم. منتظر تاکسی اینترنتی بودم تا به شرکت بروم. تا این‌که پژویی مقابلم توقف کرد. سه نفر از آن پیاده شدند و به ستمم حمله کرده، مرا به زور، داخل خودرو انداخته و ربودند. آنها من را به خانه‌ای برده، دست و پا‌هایم را بسته، شکنجه‌ام دادند و در برابر آزادی‌ام پول خواستند. در میان صحبت‌های‌شان نام شریکم را به زبان آوردند که فهمیدم از سوی او اجیر شده‌اند. شریکم تلفنی از آنها خواست مرا بیشتر تنک بزنند و پول را بگیرند. دیگر مطمئن شدم او پشت این ماجراست. یک شبانه‌روز گروگان متهمان بودم و به سختی توانستم از طریق خانواده و دوستانم ۶۰۰ میلیون تومان به حساب بانکی که آنها گفتند، واریز کنم. بعد از یک شبانه‌روز که گروگان‌شان بودم، مرا با دستان و پا‌های بسته حوالی خانه‌ام رها کردند. رهگدزی مرا یافت و نجاتم داد.



تحقیقات برای دستگیری شریک وی و هم‌دستان آدم‌ربای او ادامه داشت تا این‌که دیروز شریک وی بازداشت شد. او در شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: با شاک‌ی شراکت داشتم اما سرم کلاه گذاشت و چهار میلیارد تومان به من بدهکار شد و حاضر نبود پول را پس دهد. حالا نیز آمده با این شکایت دروغین آدم‌ربایی مرا به در دسر بیندازد تا ظلمت را از او پس بگیرم.

این در حالی بود که شاک‌ی همچنان مدعی بود این مرد طراح ماجرا برای اخاذی ۶۰۰ میلیون تومانی از وی بوده و گروگانگیران را اجیر کرده بود.

محمد وهابی، بازپرس شعبه یازدهم دادسرای جنایی تهران تا تایید این خبر گفت: متهمان آدم‌را که متواری‌اند تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند تا با دستگیری آنها ابعاد این پرونده فاش شود.

سقوط مرگبار مرد شیشه‌ای

پسر شیشه‌ای که بعد از قهر، قصد داشت از تراس طبقه ششم به خانه وارد شود با از دست دادن تعادالش به پایین افتاد و فوت کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، مرد جوان چند روزی می‌شد که برای دیدار با خانواده‌اش از کشور ژاپن به خانه‌شان در محله نیروی هوایی تهران آمده بود. او پی برد که برادر جوانش به شیشه اعتیاد پیدا کرده و با این‌که چند بار در کمپ بستری شده هنوز اعتیادش را ترک نکرده است. با او حرف زد و از او خواست به کمپ برود که قبول نکرد. سرانجام جمعه شب برادر معادش پس از عمو با او و بقیه اعضای خانواده، به حالت قهر خانه را ترک کرد و یازنگشت. از او خبری نداشتند تا این‌که ساعت ۴ صبح روز بعد با شنیدن صدای سقوط از بلندی وقتی سرارسمه از خانه‌شان به حیاط ساختمان آمدند برادرشان را یافتند که آنجا افتاده و فوت شده است و یک جفت کفش کتانی برادرش در دستانتش بود. با توجه به این موضوع همسایه‌ها با پلیس تماس گرفتند. در ادامه ماموران انتظامی با هماهنگی قضایی به ساختمان وارد شدند و در تحقیق از خانواده او معلوم شد از شب قبل که او از خانه رفته، دیگر او را ندیده‌اند و نمی‌دانند چطور این اتفاق برای پسر معتادشان افتاده است. ماموران به بازبینی فیلم دوربین‌های مدار بسته آنجا پرداختند که معلوم شد مرد معتاد ابتدا وارد ساختمان شده و کفش‌های خواهرش را برداشته و در پشت بام پنهان کرده است. نیمه شب دوباره آمده و از طریق پله‌های اضطراری وارد تراس شده و می‌خواستند در را باز کند و وارد شود که قفل بود. بعد با برداشتن کفش‌های کتانی برادرش دوباره سعی کرده وارد آپارتمان‌شان شود که نتوانسته در را باز کند و بعد تعادلش را از دست داده و در اثر سقوط از بلندی فوت کرده‌است.